

نام و یاد رفقای جان فشانده، همواره زنده و جاوید خواهد ماند

پیگیر مبارزه برای رهایی انسان از چنگال ستم، استثمار و اسارت بوده‌اند. در تمام دوران سلطه نظم سرمایه‌داری، مبارزه علیه ستم، استثمار و اسارت انسان جزئی جدائی‌ناپذیر از تاریخ بشریت بوده است. پیشروترین و آگاهترین انسان‌هایی که در این نبرد حضور داشته، همواره با بی‌رحمانه‌ترین سرکوب در صفحه ۳

۲۵ اسفند (روز جانفشاندگان فدائی) روزی است که سازمان ما بار دیگر بر دلاوری و قهرمانی کمونیست‌هایی که در طول نیم‌قرن گذشته در صفوف سازمان ما برای آزادی و سوسیالیسم با پاسداران جامعه طبقاتی پیکار کردند و جان فشاندند ارج می‌نهد و یاد و نام این رفقای قهرمان را پاس می‌دارد. کمونیست‌ها در سراسر جهان همواره مظهر

رزم مشترک، درمان درد مشترک!



در پی فراخوان تشکل‌های بازنشستگان و حمایت تشکل‌های مستقل کارگری و معلمان از این فراخوان، روز یکشنبه ۱۷ اسفند هزاران نفر از بازنشستگان در شهرهای مختلف کشور از جمله اراک، اصفهان، اردبیل، اهواز، ایلام، ارومیه، بجنورد، تبریز، خرم‌آباد، رشت، ساری، سنندج، شوش، شاهرود، شوشتر، شیراز، کرج، کرمان،

در صفحه ۵

نان قرصی، گوشت قسطی، حکومت اسلامی

فقیرترین مردم حال حاضر جهان است. در ۴۲ سال حاکمیت اسلامی، زندگی و شرایط معیشتی توده‌های کار و زحمت سال از پی سال به وخامت بیشتر گرایید. اما پاسداران نظامی که به تمام معنا در فساد غرق شده و نشان انحطاط کامل نظام سرمایه‌داری را بر پیشانی دارند، هیچ پاسخی به فریادهای خروشان گرسنگان و ستمدیدگان جامعه نداده‌اند، جز به رخ کشیدن "مشت آهنین" خود.

در صفحه ۱۰

گرانی بیداد می‌کند. دستمزد اغلب کارگران حتا پاسخگوی نیازهای خوراکی آن‌ها نیست. بیش از ۸۰ درصد مردم زیر خط فقر زندگی می‌کنند و میلیون‌ها انسان، از کودک و زن و مرد، جوان و میانسال و کهنسال گرسنه سر بر بالین می‌گذارند. این ارمغان حکومت اسلامی برای مردم سرزمینیست سرشار از ثروت، حکومتی که پاسدار جبار یکی از وحشیانه‌ترین نظام‌های سرمایه‌داری حال حاضر جهان است. بیهوده نیست که این سرزمین میزبان ثروتمندترین و

فریاد فریاد از این همه بیداد

در صفحه ۸

اطلاعیه نیروهای چپ و کمونیست
در رابطه با جنبش رهایی زن در ایران

در صفحه ۷

آرامش موقت پس از چند روز پر التهاب

نشست دوره ای شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی در روزهای ۱۱ تا ۱۵ اسفند (اول تا پنجم مارس) برگزار شد. هدف محوری این نشست، بحث و گفتگو در مورد تصمیم اخیر جمهوری اسلامی مبنی بر خروج از پروتکل الحاقی معاهده منع گسترش سلاح های هسته ای و محدود کردن بازرسی های آژانس در ایران بود.

انتشار گزارش نسبتا تند رافائل گروسی در مورد ابهامات پرونده اتمی ایران در روزهای پیش از برگزاری نشست شورای حکام و ارائه کامل این گزارش با توضیحات مشروح او در مورد اقدامات نقض توافق برجامی جمهوری اسلامی در شروع نشست شورای حکام، همراه با پیش نویس قطعنامه ای که سه کشور آلمان و فرانسه و انگلیس با حمایت آمریکا علیه جمهوری اسلامی تنظیم کرده بودند، انتظارات زیادی را در مورد ارائه یک قطعنامه تویبخی علیه جمهوری اسلامی ایران برانگیخت. اما با همه جار و جنجالی که بر سر این مسئله به راه افتاد، در پایان نشست شورای حکام قطعنامه ای علیه جمهوری اسلامی صادر نشد و اجلاس پنج روزه شورا در نهایت با دادن یک "فرصت سه ماهه" به دولت ایران جهت رفع ابهامات فعالیت های "مشکوک" و نقض توافقات برجام از سوی جمهوری اسلامی بدون صدور هرگونه قطعنامه ای در محکومیت ایران به کار خود پایان داد.

به رغم اینکه قطعنامه ای علیه جمهوری اسلامی صادر نشد، اما همان خطر احتمالی ارائه یک قطعنامه علیه ایران توسط شورای حکام و تشدید تنش های کلامی میان دولت جمهوری اسلامی با اروپا و آمریکا در روزهای پیش و پس از شروع اجلاس، در یک بازه زمانی معین، فضای پرتلاشی را میان جمهوری اسلامی با کشورهای اروپایی و آمریکا دامن زد.

محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران، در همان روز اول برگزاری جلسه شورای حکام، در مورد پیامد صدور هرگونه قطعنامه ای علیه جمهوری اسلامی در شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی گفت: "اروپایی ها حرکت غلطی را با حمایت از آمریکا در شورای حکام شروع کرده اند، فکر می کنیم این حرکت باعث بهم ریخته شدن شرایط خواهد شد. بهم ریختگی شرایط کنونی را از طریق سفیر ایران در وین به همه اعضای شورای حکام توضیح داده ایم،

در صفحه ۲

آرامش موقت پس از چند روز پر التهاب

امیدواریم عقل غلبه کند و اگر چنین نشود راهکارهایی داریم".

علی اکبر صالحی، مدیرکل اتمی جمهوری اسلامی نیز یک روز قبل تر از ظریف اعلام کرد: "در صورتی که شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی نسبت به اقدام ایران مبنی بر توقف پروتکل الحاقی، قطعنامه ای را علیه کشورمان صادر کنند، ایران واکنش مناسبی را خواهد داشت و در این راستا نامه ای هم ارسال شده است". علی ربیعی، سخنگوی دولت هم در روز دوم نشست شورای حکام اعلام کرد: "انتظار داریم که همه طرف ها، عاقلانه و دوراندیشانه رفتار کنند و ارزش لحظات گذرا و برگشت ناپذیر را بدانند".

حسن روحانی اما چه در روزهای پیش از نشست شورای حکام و چه در سه روز اول این نشست، با سخنانی تند و تیز مبنی بر اینکه بدون رفع کامل تحریم ها هیچ مذاکره ای با آمریکا در کار نخواهد بود، از کشورهای اروپایی خواست با ارائه قطعنامه در محکومیت جمهوری اسلامی "به روابط میان ایران و آژانس" ضربه نزنند.

به رغم همه هشدارهای جمهوری اسلامی و به رغم مواضع به ظاهر تند و تیزی که ظریف و حسن روحانی مدام در مورد تبعات صدور قطعنامه علیه ایران اعلام کردند، فضای اجلاس شورای حکام دست کم تا پایان روز سوم نشست همچنان بر مدار ارائه قطعنامه ای در محکومیت جمهوری اسلامی می چرخید. در عصر روز دوم اجلاس بود که مکرون، رئیس جمهور فرانسه با حسن روحانی تماس تلفنی گرفت و نگرانی شدید فرانسه را در مورد نقض تعهدات برجامی ایران به حسن روحانی اعلام کرد. پس از این تماس تلفنی مکرون با روحانی، به یکباره فضای اجلاس در مسیر عدم تمایل شورای حکام به صدور قطعنامه در محکومیت جمهوری اسلامی تغییر کرد. اینکه حسن روحانی در مذاکرات سری و پشت پرده خود با مکرون تن به چه تعهداتی داد، ظاهرا در پس پرده باقی مانده است. اما همینکه کشورهای اروپایی، خصوصا آمریکا با دادن یک فرصت سه ماهه، موقتا از ارائه قطعنامه ای در محکومیت پرونده هسته ای جمهوری اسلامی پرهیز کردند، خود ناشی از عقب نشینی های پشت پرده ای است که از طریق مذاکرات مکرون، به آمریکا و اجلاس شورای حکام منتقل شد. اولین پیامد بیرونی مذاکرات پشت پرده دولت ایران با نشست شورای حکام، دادن یک مهلت سه ماهه از طرف اجلاس شورا به جای صدور قطعنامه بود. در عوض جمهوری اسلامی هم با عقب نشینی از موضع قبلی خود در مورد خروج از پروتکل الحاقی معاهده منع گسترش سلاح های هسته ای و محدود کردن بازرسی های آژانس در مورد تاسیسات اتمی ایران، قول همکاری بیشتر به آژانس را داد.

دولت ایران که بر اساس توافق دو هفته پیش خود با رافائل گروسی، آژانس را از دسترسی به فیلم های مداربسته سایت های هسته ای خود محروم کرده بود و قرار بود بعد از گذشت سه ماه آنهم زمانی که تحریم های آمریکا لغو گردید، به

آژانس اجازه دهد تا فیلم ها را ببیند، به یکباره از چنین شرطی عقب نشینی کرد و طی یک توافق جدید با رافائل گروسی در مسیر همکاری مجدد با آژانس بین المللی انرژی اتمی بازگشت.

رافائل گروسی، روز پنجشنبه ۱۴ اسفند در چهارمین روز نشست شورای حکام اعلام کرد، بر اساس توافق جدید با دولت ایران یک ماه دیگر برای جلسه ای "فنی" به ایران سفر خواهد کرد. موضوع سفر او هم دریافت پاسخی قانع کننده از مقامات جمهوری اسلامی در چرایی پیدا شدن ذرات اورانیم با منشأ انسانی در مکان هایی است که فعالیت های "مشکوک" هسته ای در این مکان ها از چشم آژانس پنهان مانده است. تا اینجای کار قطعنامه ای علیه جمهوری اسلامی صادر نشد، و تنها با دادن یک فرصت سه ماهه به ایران برای پاسخگویی به ابهامات فعالیت های هسته ای رژیم اگر چه به طور موقت التهاب میان جمهوری اسلامی با کشورهای اروپایی و آمریکا تا حدودی فروکش کرد، اما گره اصلی یعنی موضوع بازگشت آمریکا به برجام و لغو تحریم ها همچنان به جای خود باقی مانده است.

اگرچه تداوم همکاری پادمانی جمهوری اسلامی با آژانس بین المللی انرژی اتمی برای آمریکا و اروپا بسیار با اهمیت است، اما گره اصلی بن بست برجام و رفع تحریم های آمریکا علیه جمهوری اسلامی صرفا در این امر نهفته نیست. گره اصلی بن بست برجام، دست کم تا لحظه کنونی در چگونگی بازگشت هریک از طرفین نزاع به برجام است. بخامنه ای، حسن روحانی و کل هیئت حاکمه ایران به دفعات بر این نکته پافشاری کرده اند که بدون رفع کامل تحریم های آمریکا، به تعهدات برجامی خود که بسیاری از مفاد آن را تاکنون نقض کرده اند، باز نخواهند گشت. در طرف مقابل هم، جو بایدن، رئیس جمهوری آمریکا و تیم همراه او در هر فرصتی که برایشان پیش آمده با لحنی صریح و روشن اعلام کرده اند، تا زمانی که جمهوری اسلامی به تعهدات برجامی خود باز نگردد، هیچ قدمی در مورد رفع تحریم ها برداشته نخواهد شد.

پوشیده نیست بن بست که اکنون بر برجام حاکم است و طناب کشتی دو طرف برای امتیاز گیری بیشتر نمی تواند برای مدت زمان طولانی ادامه داشت باشد. گذر زمان، خصوصا برای جمهوری اسلامی بسیار تنگ است. در معادله گشایش باب مذاکرات هسته ای برجام، جمهوری اسلامی به لحاظ وضعیت بسیار حاد اقتصادی که بر گلویش چنگ انداخته است، ظرفیت تحمل تداوم تحریم ها در زمانی طولانی برایش تا حدودی ناممکن شده است. رفع تحریم ها برای هیئت حاکمه ایران چنان حائز اهمیت است که هم خامنه ای و هم حسن روحانی آشکارا اعلام کرده اند که اگر فرصتی برای لغو تحریم ها ایجاد شود، یک ساعت هم نباید درنگ کرد؛ چرا که از دست دادن یک ساعت هم "فرصت سوزی" خواهد بود. در حالی که برای طرف دیگر معادله یعنی دولت بایدن، چنین تنگنای زمانی دست کم تا لحظه کنونی اصلا مفروض نیست. اینکه جمهوری اسلامی بی وقفه بر توافق برجام

۲۰۱۵ تاکید دارد و طرح هر گونه مذاکرات جدیدی در مورد توافق برجام را مردود می داند، اما بایدن و اعضای کابینه او جملگی به سر دستیابی به توافقی جامع تر از برجام ۲۰۱۵ اصرار دارند، ناشی از همین موقعیت برتر و دست بالای دولت آمریکا در معادله برگشت به برجام است.

پوشیده نیست با انتخاب بایدن به ریاست جمهوری آمریکا، جمهوری اسلامی تا چه حد امیدوارانه به لغو تحریم ها، آنهم در یک بازه زمانی کوتاه دل بسته بود. خصوصا که بایدن در تبلیغات انتخاباتی خود، بازگشت به برجام را وعده داده بود. اکنون اما نه فقط بایدن که تک تک اعضای ارشد کابینه او، نظیر کامیلا هریس، معاون اول او، بلینکن، وزیر امور خارجه و وندی شرم، قائم مقام وزارت امور خارجه آمریکا، جملگی به برجامی فراتر از برجام ۲۰۱۵ تاکید دارند. وندی شرم که هفته پیش به قائم مقامی وزارت امور خارجه آمریکا انتخاب شد، روز چهارشنبه ۱۳ اسفند (سوم مارس) در جلسه بررسی تأیید صلاحیت خود در کمیته روابط خارجی سنا با صراحت اعلام کرد: "بازگشت به توافق سال ۲۰۱۵ ممکن نیست زیرا در ظرف شش سال گذشته شرایط ژئوپلیتیکی منطقه عوض شده است". سخنان وندی شرم، مبنی بر اینکه "بازگشت به توافق سال ۲۰۱۵ ممکن نیست" و تاکید او مبنی بر اینکه بایدن اگرچه قصد دارد وارد توافق هسته ای شود اما می خواهد "آن را طولانی تر و محکم تر کند"، از آن رو حائز اهمیت است که او به عنوان معاون سیاسی وزارت امور خارجه آمریکا در کابینه اوباما و کسی که نقش موثری در به سر انجام رساندن توافق برجام ۲۰۱۵ داشته است، اکنون معتقد است که "بازگشت به توافق سال ۲۰۱۵ ممکن نیست".

حال با توجه به همه مفروضات و نظر به اصراری که هر کدام از طرفین نزاع بر عملی شدن پیش شرط خود در باب ورود به مذاکره دارند، بعید به نظر می آید که رفع تحریم ها و بازگشت آمریکا به برجام دست کم تا نشست بعدی شورای حکام صورت گیرد.

فراموش نکنیم جمهوری اسلامی زیر فشارهای حداکثری تحریم ها در شرایط دشواری بسر می برد. در چنین شرایطی که بحران ژرف اقتصادی بر گلویش رژیم به شدت چنگ انداخته است، دور از انتظار نیست هیئت حاکمه ایران از روی استیصال و ناچاری به تعهدات برجامی خود باز گردد تا راه را برای شروع مذاکره رسمی و سپس رفع تدریجی تحریم ها باز کند. مذاکراتی که هم اکنون نیز تا حدودی به صورت سری و پشت پرده در جریان است. سخنان محسن رضایی، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام در مصاحبه با روزنامه فایننشال تایمز در ۱۵ اسفند، همزمان با آخرین روز کاری اجلاس شورای حکام مبنی بر اینکه اگر غرب "سیگنال های روشنی" بفرستد و برای نمونه اعلام کند که تحریم های آمریکا ظرف یک سال برچیده خواهد شد، ایران آماده بازگشت مذاکرات است، می تواند به این احتمال قوت بیشتری ببخشد.



نام و یاد رفقای جان فشانده، همواره زنده و جاوید خواهد ماند

و کشتار طبقه سرمایه دار مواجه بوده‌اند. تاریخ تمام‌دورانی که سرمایه‌داری حاکم شده است، مملو است، از کشتارهای وحشیانه‌ای که طبقه حاکم در سراسر جهان علیه کمونیست‌ها به راه انداخته است. در ایران نیز در طول یکصد سال اخیر، همواره وضع بر همین منوال بوده است. از همان نخستین روزی که بنیان‌گذاران سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران نیز نبرد حماسی خود را در سیاهکل آغاز نمودند، ستمگران حاکم بر ایران، این دشمنان آزادی و رهایی توده‌های مردم ایران، کشتار بی‌رحمانه انسان‌هایی را در دستور کار قرار دادند که در یکی از سیامترین دوره‌های دیکتاتوری و اختناق در ایران، پرچم آزادی و سوسیالیسم را به اهتزاز درآورده بودند. رژیم شاه که با رویدادی نامنتظره در جزیره ثبات و آرامش خود، روبه‌رو شده بود، با این خیال خام که می‌تواند با بسیج نیروی نظامی و کشتار چریک‌ها، ثبات و آرامش گورستانی مطلوب خود را بازگرداند، پس از ظاهراً پیروزی نظامی بر مبارزان جنگل، دادگاه‌های نظامی خود را برای صدور احکام اعدام رفقای که دستگیر شده بودند، بر پا کرد. هنوز چند روزی از حمله مسلحانه به پاسگاه سیاهکل نگذشته بود که رژیم شاه فدائیان را که در جریان نبرد سیاهکل به اسارت درخیمان درآمده بودند، در یک محکمه نظامی به اعدام محکوم کرد. در آخرین روزهای اسفندماه سال ۴۹ رفیق علی‌اکبر صفایی فراهانی فرمانده عملیات سیاهکل را به همراه رفقا احمد فرهودی، محمدعلی محدث قندچی، ناصر سیف دلیل صفایی، هادی بنده‌خدا لنگرودی، شعاع‌الدین مشیدی، اسکندر رحیمی، غفور حسن‌پور اصیل، محمدهادی فاضلی، عباس دانش بهزادی، هوشنگ نیری، جلیل انفرادی و اسماعیل معینی عراقی را به جوخه اعدام سپرده شدند. دو عضو دیگر گروه سیاهکل، رفقا مهدی اسحاقی و محمدحسین سماعتی، در حین نبرد جان فشانده بودند. اما برخلاف تصور جلاان رژیم شاه، این وحشی‌گری و کشتار مانع از ادامه نبرد نشد. مبارزه تازه آغاز شده بود. سال ۵۰ با موج وسیعی از مبارزات قهرمانانه و حماسی چریک‌های فدائی در شهرها ادامه یافت. با نبردی که از سیاهکل آغاز شده بود، نسلی از انقلابیون کمونیست در ایران پا به عرصه مبارزه نهاده بودند که نمونه‌ای از صداقت، از خودگذشتگی، قهرمانی، جان‌فشانی و

آشتی‌ناپذیری بانظم حاکم بودند. این مبارزه به‌سرعت در جامعه انعکاس یافت و گروه‌گروه زنان و مردان انقلابی به صفوف فدائیان پیوستند. به‌جای هر رفیقی که در نبرد با دشمن جان می‌داد، یا به اسارت دشمن درمی‌آمد، ده‌ها و صدها رفیق دیگر جای او را گرفتند. رژیم شاه که بر این پندار خام بود با کشتار حماسه‌آفرینان سیاهکل از رویدادی که جزیره ثبات و آرامش او را برهم زده، نجات‌یافته است، با موج گسترده‌تری از مبارزاتی روبه‌رو گردید که مدام بر تعداد آن‌ها افزوده می‌شد. تمام دستگاه پلیسی و امنیتی رژیم همه امکانات خود را بسیج کردند تا شاید بتوانند با سرکوب و کشتار وحشیانه‌تر، مبارزه‌ای را که آغاز شده بود، در نقطه خفه کنند. در سال ۵۰ ده‌ها تن از برجسته‌ترین رهبران و بنیان‌گذاران سازمان، در نبرد با دشمن طبقاتی جان فدا کردند، یا به اسارت درآمدند. در خردادماه دو تن از رفقای برجسته سازمان رفقا امیر پرویز پویان و اسکندر صادقی نژاد در نبرد با دشمن طبقاتی جان فشانده. در مهرماه اولین زن فدائی، رفیق مهرنوش ابراهیمی در یک نبرد قهرمانانه با مزدوران ساواک جان باخت. رژیم شاه که از گسترش مبارزات وحشت‌زده شده بود، بر شدت سرکوب افزود. در اسفندماه سال ۵۰ گروهی از رفقا که به اسارت رژیم درآمده بودند و زیر وحشیانه‌ترین شکنجه‌های ساواک نمونه‌ای از مقاومت و ایستادگی را نشان داده بودند، در دادگاه نظامی به محاکمه کشیده شدند. آن‌ها اما با دفاع جسورانه از اهداف و آرمان‌های بزرگ خود، دادگاه‌های نظامی را به عرصه محاکمه و محکوم کردن رژیم دیکتاتوری عریان شاه تبدیل کردند. جلاان دادگاه نظامی اغلب این مبارزان کمونیست از جمله، رفیق مسعود احمدزاده از رهبران برجسته سازمان را به جوخه اعدام سپردند. اما پایانی بر مبارزه‌ای که در سیاهکل آغاز شده بود، نبود. مبارزه ادامه یافت. تا سال ۵۷ که رژیم شاه سرنگون شد، در هر سال ده‌ها تن از رفقا یا در نبرد مسلحانه با دشمن ستمگر جان باختند یا به جوجه اعدام سپرده شدند. رفقا، بهروز دهقانی، مهدی فضیلت کلام، احمد زبیرم، چنگیز قبادی، پیرو نذیری، حسن نوروزی، مرضیه اسکویی، یوسف زرکاری، حمید مؤمنی، نزهت روحی آهنگران، نسرين و سیمین پنجه شاهی، علی‌اکبر جعفری، نسترن و لادن آل‌آقا به همراه ده‌ها تن از

رفقای دیگر در راه اهداف کمونیستی سازمان جان باختند. به‌رغم این سرکوب و کشتار، نفوذ و اعتبار سازمان در جامعه به درجه‌ای افزایش یافته بود که زندان‌های رژیم مملو از اعضا و هواداران سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران شده بود. رشد و گسترش سازمان، رژیم شاه را چنان وحشت‌زده کرد که برای گرفتن انتقام از سازمان، دست به یک جنایت هولناک زد. اعضای گروه رفیق جزئی را که سال‌ها پیش به حبس محکوم شده و چندین سال از حبس خود را سپری کرده بودند، روز ۳۰ فروردین ۱۳۵۴ در تپه‌های اوین تیرباران کرد. این وحشی‌گری اوج درماندگی و شکست رژیم بود. در سال‌های ۵۴ و ۵۵ ده‌ها تن دیگر از رفقا در نبرد رویاروی با مزدوران ساواک رژیم شاه قهرمانانه جنگیدند و جان فشانده. در ۸ تیرماه رهبر برجسته سازمان، رفیق حمید اشرف به همراه تعدادی از اعضای رهبری سازمان در نبردی نابرابر چندین ساعت قهرمانانه با مزدوران سرکوبگر رژیم جنگیدند و جان خود را فدای اهداف کمونیستی سازمان کردند.

به‌رغم تمام وحشی‌گری و سرکوب‌های رژیم، اما سازمان دوام آورد و قهرمانی و فداکاری بی‌دریغ رفقا در مبارزه تا سرنگونی رژیم شاه ادامه یافت. رژیم سلطنتی محمدرضا شاه پس از آن همه جنایت، وحشی‌گری و کشتار، سرانجام با قیام مسلحانه مردم ایران سرنگون شد و سازمان ما با سرفرازی قد علم کرد. باین‌همه، به‌رغم تمام مبارزات، قهرمانی و فداکاری رفقای سازمان، با سرنگونی رژیم شاه، قدرت سیاسی در دست کارگران و زحمتکشان قرار نگرفت، بلکه گروه دیگری از مرتجعین سرکوبگر بار دیگر بر کشور حاکم شدند. پوشیده نبود که با این اتفاق جدید، توده‌های مردم ایران باز هم اسیر و گرفتار رژیم سرکوبگرتر از رژیم شاه شده‌اند و کمونیست‌ها با موج جدیدی از سرکوب و کشتار مواجه خواهند بود. به‌رغم این‌که با قیام مسلحانه توده‌های مردم ایران، دستگاه سرکوب رژیم سابق از هم‌گسیخته شده بود، اما هیئت حاکمه جدید از همان آغاز به قدرت رسیدن، سرکوب و کشتار را از سر گرفت. در جریان سرکوب مردم کردستان، بار دیگر تعدادی از رفقای سازمان ما به جوخه اعدام سپرده شدند. تعدادی از فعالان کارگری سازمان توسط

نام و یاد رفقای جان فشانده، همواره زنده و جاوید خواهد ماند

عوامل رژیم ترور شدند. در جریان سرکوب مردم ترکمن صحرا، رهبران خلق ترکمن رفقا توماج، جرجانی، واحدی، مختوم توسط جلادان حکومت اسلامی به قتل رسیدند. تا پیش از انشعاب سال ۵۹ در سازمان، لاقل ۵۰ تن از رفقای ما توسط مزدوران رژیم ددمنش جمهوری اسلامی به قتل رسیدند. خیانت جریان موسوم به اکثریت به اهداف و آرمان‌های سازمان و پیوستن آن‌ها به اردوی ضدانقلاب حاکم، ضربه‌ای سخت به سازمان و جنبش کمونیستی ایران بود. این جناح فدائیان اقلیت بود که می‌بایستی با تحمل تمام فشار سرکوب رژیم، از اهداف و آرمان‌های کمونیستی سازمان، از آزادی و سوسیالیسم دفاع کند.

در پی انشعاب، وحشی‌گری جمهوری اسلامی علیه سازمان ما به نهایت شدت خود رسید. جناح فدائیان اقلیت که پاسدار اهداف و آرمان‌های سوسیالیستی و آزادی‌خواهانه و سنت‌های مبارزاتی سازمان بود، با هیچ ارتجاعی سر سازش نداشت. سازمان ما دشمن آشتی‌ناپذیر رژیمی ارتجاعی بود، که وظیفه دیگری جز سرکوب انقلاب و به بند کشیدن مردم ایران نداشت. مبارزه سازمان ما علیه رژیم حاکم می‌بایستی تشدید شود و تشدید شد. جمهوری اسلامی بنا به ماهیت ارتجاعی خود سرکوب سازمان را در دستور کار قرارداد و با کشتاری که از سال ۶۰ در سطحی گسترده سازمان داد، صدها تن از رفقای ما را تا سال ۶۷ به جوخه اعدام سپرد. مقاومت و ایستادگی رفقای ما در این دوره چندساله زیر شکنجه، در زندان‌ها، در لحظه اعدام، در نبردهای مسلحانه رودررو با مزدوران امنیتی و نظامی رژیم نیز همانند دوران رژیم شاه، حماسی و قهرمانانه بود. هزاران تن از فدائیان اقلیت سال‌ها به بند کشیده شدند و صدها تن به جوخه اعدام سپرده شدند. بر طبق فهرستی که از جان‌فشانندگان سازمان از سباهکل تا به امروز تهیه‌شده و در سایت اینترنتی سازمان ما موجود است، از حدود ۹۰۰ رفیق جان‌فشانده که اسامی آن‌ها در این یادنامه آمده است، بیش از ۶۰۰ تن از آن‌ها رفقای هستند که توسط رژیم فاشیست و آدم کش جمهوری اسلامی به قتل رسیدند.

رفیق سعید سلطانیور شاعر، نویسنده و عضو هیئت نویسندگان نشریه کار که از چهره‌های برجسته هنر و ادبیات ایران بود، در نخستین گروه اعدام‌شدگان سال ۶۰، تیرباران شد. البته پیش از سال ۶۰ نیز رفقای دیگری از اعضای سازمان توسط رژیم به قتل رسیده بودند. کارگر کمونیست، رفیق جهانگیر قلعه میان‌دوب، تنها یک نمونه بود. در طول سال ۶۰ اکثر

اعضای کمیته مرکزی سازمان ما، رفقا سیامک اسدیان (اسکندر)، منصور اسکندری تربقانی، محسن مدیر شانه‌چی، محمدرضا بهکیش (کازم)، یدالله گل مژده (نظام)، احمد غلامیان لنگرودی (هادی) در راه اهداف آرمان‌های کمونیستی سازمان جان فشاندند. در جریان ضربات اسفندماه سال ۶۰، علاوه بر تعدادی از اعضای مرکزیت سازمان، رفیق جعفر پنجه شاهی (خشایار) و تعدادی از رفقای چاپ و توزیع نشریه کار در درگیری با مزدوران رژیم جان باختند.

پس از انشعاب که سازمان‌دهی کمیته‌های منطقه‌ای، شهری، کارگری، محلی و ویژه از اهمیت مبرمی برخوردار بود، تعدادی از رفقا خستگی‌ناپذیر تلاش نمودند و هزاران فعال و هوادار را سازمان‌دهی کردند. اغلب این رفقا از جمله قاسم سید باقری، توکل اسدیان، محمدرضا ستوده، اکبر صمیمی، رضا نعمتی، ابوالفضل قزل ایاق، قدرت الله ارجمندی، نبی (علی) جدیدی، مسعود رحمتی، محمد کس نرانی، انور اعظمی، مهدی خازنده، علی رضا بامری، صمد حسین زهی، در راه انجام این وظیفه توسط جلادان حکومت اسلامی به قتل رسیدند.

در جریان سرکوب‌های وحشیانه رژیم ستمگر جمهوری اسلامی، ده‌ها تن از فعالین کارگری عضو سازمان از جمله رفقا احمد منادی، غلامرضا مولائی بیرگانی، خیرالله حسنونند، جهانبخش سرخش، مرتضی کریمی، محمد علی ابرندی، محمد رضا راستی، هوشنگ کیانی، رضا حسینی مستعان، موسی آباد، حسین ملا طالقانی، داوود مداین، لقمان مدائن، عبدالرضا ماهیگیر، عبدالکریم عبدالله پور، علی میرشکاری، هوشنگ احمدی، بیژن اسلامی، ونداد ایمانی، احمد برار پور، بیگ محمدی هزاوه، ملک محمد جاوه، محمد چشم به راه، محمود خاموشیان، اکبر مسلم خانی، حسین محمدی، رحمت فتحی، بهزاد عمرانی، قدرت‌الله

شاهین سخن در زمره رفقای بودند که توسط جمهوری اسلامی کشتار شدند. تنها در جریان ضربه سال ۶۴ به کمیته کارگری تهران متجاوز از ۶۰ تن از رفقای کارگر دستگیر شدند که اکثر آن‌ها اعدام شدند.

در این سال‌های سرکوب و کشتار، حدود ۵۰ تن از زنان کمونیست، از جمله، رفقا زهرا بهکیش (اشرف)، نفیسه ناصری، ویدا گلی آیکناری، منیژه طالبی، سوزان نیکزاد، مریم توسلی، ژیل سیاب، ناهید محمدی، مریم دژآگاه، زهرا بیدشهری، زهرا فرمانبردار، فاطمه محمدی، نادره نوری، فریده یوسفی، خاطره جلالی و ده‌ها رفیق دیگر در راه آرمان‌های آزادی‌خواهانه و سوسیالیستی سازمان جان فشاندند.

بهرغم تمام وحشی‌گری رژیم و کشتار اعضا، فعالان و هواداران سازمان در طول تمام این سال‌ها، اما ارتجاع حاکم هرگز نتوانسته و نخواهد توانست، سازمان ما را از ادامه مبارزه برای تحقق اهداف کمونیستی خود بازدارد. این رژیم جمهوری اسلامی است که به‌رغم تمام اقدامات جنایتکارانه و فاشیستی‌اش، امروز در جایگاهی قرار گرفته است، که رژیم ستمگر شاه در واپسین روزهای حیات ننگینش قرار گرفته بود. چندان نیز به طول نخواهد انجامید که این رژیم نیز همچون سلف خود به دست کارگران و زحمتکشان ایران به‌گور سپرده شود.

در ۲۵ اسفند سالروز جان‌فشانندگان سازمان، بار دیگر بر عهد و پیمان همیشگی خود با رفقای جان‌فشانده‌مان پای می‌فشاریم که به اهداف و آرمان‌های کمونیستی سازمان، دفاع از آزادی و سوسیالیسم پای‌بند خواهیم ماند و به مبارزه برای سرنگونی نظم موجود، استقرار حکومت شورایی کارگری و برقراری سوسیالیسم ادامه خواهیم داد. جاودان باد، نام و یاد فدائیان که در راه اهداف و آرمان‌های سازمان مبارزه کردند و جان فشاندند.



رزم مشترک، درمان درد مشترک!



هستند که مرتجعین حاکم بتوانند فریبشان دهند، بلکه در عین حال این واقعیت را نیز نشان داد که بازنشستگان تأمین اجتماعی روی خواست همسان سازی محکم و استوار ایستاده اند و مصمم اند تا تحقق کامل خواست های خود به مبارزه ادامه دهند.

انعکاس این عزم و اراده را به روشنی در سازمان دهی تجمعات و اعتراضات سراسری می توان دید. صرف نظر از مبارزات روبه گسترش بازنشستگان در دو سال گذشته، تنها در ۱۰۰ روز اخیر ۸ تجمع و اعتراض سرتاسری را (۲۳ آذر ۱۴ و ۲۱ دی، ۷ و ۲۶ بهمن ۱۴۰۳ و ۱۷ اسفند) سازمان داده و خواهان تحقق خواست های خود شده اند. افزون بر اجرای کامل و صحیح همسان سازی، ارتقاء سطح خدمات درمانی، درمان رایگان، مسکن مناسب، افزایش مستمری برابر سید معیشت حداقل ۱۲ میلیون تومان، از دیگر مطالبات بازنشستگان است که بعضاً در شعارهایی مانند "حقوق ما ریالی، هزینه ها دلاری"، "شعار ما این زمان، معیشت است و درمان"، "خواسته اصلی ما، حقوق طبق تورم"، "گرانی، تورم، بلای جان مردم"، "ظلم و ستم کافیه، سفره ما خالیه" نیز انعکاس یافته است. بخش دیگری از شعارها و مطالبات بازنشستگان تأمین اجتماعی، شعارها و مطالبات سیاسی است که در عین حال بازتاب دهنده روحیه اعتراضی و رزمجویانه آنان است. از آن جمله است شعار "بازنشسته می میرد، ذلت نمی پذیرد"، "هم مجلس هم دولت، بس است فریب ملت"، "فریاد، فریاد از این همه بیداد"، "تا حق خود نگیریم، از پا نمی نشینیم" و شعار بسیار مهم "فقط کف خیابون، به دست میاد حق مون". هزاران بازنشسته تأمین اجتماعی با این خواست ها و شعارها، بارها به خیابان آمده، در مقابل مجلس، سازمان تأمین اجتماعی، سازمان برنامه بودجه و وزارت کار تجمع اعتراضی برگزار نموده و در مواردی نیز دست به راهپیمایی و تظاهرات زده اند.

این اعتراضات و مبارزات مستمر بازنشستگان تأمین اجتماعی، چه از نظر خواست ها و شعارها و چه به ویژه از نظر سازمان دهی، به وضوح یک روند تکاملی را پیموده است. پیشرفت در چه



سازمان دهی تا آنجاست که در پایان هر تجمع، قرار تجمع بعدی گذاشته می شود و این قرار، چه در سطح تهران و استان مرکزی، چه در سطح سایر شهرها و استان ها به طور همزمان به اجرا گذاشته می شود. شمار شهرها و تعداد شرکت کنندگان در این مبارزات رو به فزونی بوده است. حضور زنان بازنشسته در صفوف مقدم مبارزه نیز چشمگیرتر شده است. در

قزوین، مشهد، نیشابور، هفت تپه، یزد و چند شهر دیگر تجمعات اعتراضی برپا کردند. در تهران که نیروهای امنیتی و انتظامی از ساعات اولیه صبح روز یکشنبه ۱۷ اسفند با حضور گسترده در مقابل وزارت کار و ساختمان سازمان تأمین اجتماعی، محل تجمع را به اشغال خویش درآورده بودند، با هجوم وحشیانه به تجمع بازنشستگان، کارگران، معلمان و سایر تجمع کنندگان، تعدادی را مجروح و شمار دیگری را نیز بازداشت کردند. تا کنون اسامی سه تن از بازداشت شدگان به نام های اسعد مفتاحی کارگر اسنپ فود، کامیار فکور روزنامه نگار و اسماعیل گرامی اعلام شده است.

بیش از یک دهه است کارزار مبارزاتی جمعیت چندمیلیونی بازنشستگان تأمین اجتماعی برای افزایش مستمری ها و همسان سازی آن با دریافتی



شاغلان همردیف خود ادامه دارد. نزدیک به ۴ میلیون (۱) بازنشسته تأمین اجتماعی در زمره ی محروم ترین و فقیرترین اقشار جامعه هستند که با مستمری ناچیز ماهانه، از فشار هزینه ها و گرانی نیازهای زندگی مستأصل و عاصی شده و در تنگناهای شدید اقتصادی و معیشتی به سر می برند. تنگناها و فشارهایی که هر سال بر ابعاد و شدت آن افزوده شده و این کارگران زحمتکش بازنشسته را محروم تر و فقیرتر ساخته و آنان را به کف خیابان کشانده است. اعتراض بازنشستگان به وضع موجود و مبارزه برای تغییر و بهبود شرایط زندگی، سابقه ای دستکم ۱۰ ساله دارد. از سال ۸۹ که قانون مدیریت خدمات کشوری به تصویب رسید اما هرگز به طور کامل و دقیق اجرا نشد، تاکنون، این اعتراضات و مبارزه در اشکال گوناگون ادامه داشته است. بر پایه این قانون می بایستی تبعیض میان گروه های مختلف بازنشستگان (لشگری، کشوری و تأمین اجتماعی) برداشته و در زمینه دریافتی بازنشستگان با شاغلان همردیف، همسان سازی انجام شود که هرگز چنین نشد. تشدید و تداوم مبارزات بازنشستگان در دو سال گذشته، سبب شد که دولت در مرداد سال جاری به نحو فریب کارانه ای چندرغازی به مزد این بازنشستگان اضافه و موضوع همسان سازی را ماست مالی کند. این تلاش فریب کارانه اما بلافاصله با اعتراض سراسری بازنشستگان در ۲۵ مرداد ۹۹ پاسخ گرفت. اعتراضات پرشور و سراسری و مکرر بعدی بازنشستگان تأمین اجتماعی و تأکید بر این خواست محوری نشان داد که آن ها نه فقط آگاهتر و هوشیارتر از آن

سخنرانی ها، سردادن شعارها و قرائت قطعنامه ها نیز زنان پیش قدم شده اند. در بسیاری از تجمعات سراسری، علاوه بر مردان و زنان بازنشسته، همسران مردان بازنشسته نیز وارد خیابان شده و دوشادوش مردان در اعتراضات شرکت جسته اند. بازنشستگان تأمین اجتماعی با استمرار مبارزه و پایداری و حضور قاطع در کف خیابان، این پیام را به عموم زحمتکشان رسانده اند که برای احقاق حقوق، جز مبارزه و سازمان دهی اعتراض راه دیگری وجود ندارد. بازنشستگان نشان دادند که حتی در سخت ترین شرایط نیز می توان ابتکار به خرج داد و با تلفیق مناسب کار و فعالیت علنی و غیر علنی، اعتراض توده ای را سازمان داد و زیر پای استثمارگران و مستبدان را داغ کرد. بیهوده نیست که خانه کارگر و سران مزدور آن از نمونه حسن صادقی چاقوکش معروف و رئیس به اصطلاح اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری پس از انتشار فراخوان تجمع از سوی تشکل های مستقل بازنشستگان، وارد معرکه شده اند. این مزدوران برای ایجاد اختلال در حرکت اعتراضی بازنشستگان، با صدور چندباره اطلاعیه و اعلام تجمع، تلاش کرده اند نسبت به تاریخ اعلام شده توسط تشکل های مستقل، در میان بازنشستگان شک و تردید و سردرگمی ایجاد کنند بدان خیال که اقدام مستقل بازنشستگان را با شکست روبرو سازند و تعدادی از بازنشستگان را به صفت خود بکشانند. با این ترفندها اما، از سوی تشکل های مستقل، هوشیارانه مقابله شده و این تلاش های مذبحانه خنثی شده است. کارگران شاغل و بازنشستگان، تشکل های دولتی و سران مزدور آن را می شناسند و به این فراخوان ها وقعی نمی گذارند. این مزدوران خربچین و شاخک های حسی دستگاه امنیتی در میان کارگران و بازنشستگان البته وضعیت روحی و حالت

رزم مشترک، درمان درد مشترک!



انفجاری در میان کارگران و بازنشستگان را به اربابان خویش گزارش می‌کنند و خطر انفجار را به دستگاه حکومتی هشدار می‌دهند. آن‌ها می‌گویند با انعکاس جنبه‌هایی از اوضاع معیشتی و خامت‌بار کارگران و همچنین اوضاع سیاسی و فضای حاکم در میان کارگران و بازنشستگان و شرایطی که آن‌ها را به خیابان کشانده است دستگاه دولتی را متوجه خطری سازند که کل نظم موجود را تهدید می‌کند. در جریان فراخوان اخیر تجمع در روز ۱۷ اسفند مقابل وزارت کار و سازمان تأمین اجتماعی نیز بار دیگر همان شیوه مذبحانه و اخلاقلرانه را به کار بست و با اعلام تاریخ تجمع، سعی کرد در میان بازنشستگان سردرگمی ایجاد کند. گرچه طرفی از آن نیست و نتوانست خللی در اقدام اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی وارد سازد و چنین است که بازی ایجاد اخلال در



حرکت اعتراضی بازنشستگان، جای خود را به سرکوب مستقیم آن داد.

اما با سرکوب نمی‌توان کارگران، معلمان زحمتکش و بازنشستگان را خاموش و پیام مهمی که در استمرار مبارزه آن‌ها نهفته است زایل ساخت. پیام بازنشستگان تأمین اجتماعی روشن است. ادامه مبارزه در کف خیابان و اینکه یگانه راه احقاق حقوق، اتحاد و استمرار مبارزه متشکل است. این پیام بازنشستگان تأمین اجتماعی در میان کارگران شاغل بازخورد وسیعی داشت که در شکل‌گیری یک حرکت عملی مشترک کارگران، معلمان و بازنشستگان پژواک یافت. فراخوان تجمع سراسری بازنشستگان در ۱۷ اسفند، با استقبال کارگران و معلمان روبرو شد، اردوی کارگران و زحمتکشان را فشرده و محکم ساخت و تحت عنوان "دفاع از حق زندگی"، دفاع گسترده از حداقل مزد ۵ / ۱۲ میلیونی را در پی داشت. پیش‌تر از آن با انتشار بیانیه "تشکل‌های مستقل کارگران، بازنشستگان و معلمان" در ۲۶ بهمن ۹۹ پیرامون حداقل مزد سال ۱۴۰۰ و تأکید بر رقم ۵ / ۱۲ میلیون تومان به‌عنوان حداقل مزد ماهانه، بذر این اتحاد و هماهنگی پاشیده شده بود.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه، سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه، کانون صنفی معلمان و گروه اتحاد بازنشستگان ابتکار عمل تنظیم و انتشار این بیانیه را در دست داشتند و ۵ تشکل دیگر (کمیته هماهنگی، اتحاد بازنشستگان، شورای بازنشستگان، اتحاد سراسری بازنشستگان و کمیته پیگیری) نیز آن را امضا کرده بودند. به دنبال آن، فراخوان مشترک تشکل‌های مستقل کارگران، بازنشستگان و معلمان برای تجمع در روز ۱۷ اسفند مقابل وزارت کار و سازمان تأمین اجتماعی و در حمایت از بازنشستگان تأمین اجتماعی انتشار یافت. این بیانیه و فراخوان با استقبال و پشتیبانی کم‌نظیر کارگران روبرو شد. بخش‌های متشکل‌تر کارگران بلافاصله با صدور بیانیه‌هایی از مزد ماهانه بالای ۱۲ میلیون و فراخوان تجمع حمایت کردند. فولاد اهواز در بیانیه‌ای مورخ ۷ اسفند از بیانیه مشترک مزد و فراخوان تجمع و خواست‌های فراخوان دهندگان حمایت کرد. کارگران رسمی نفت نیز که پیش از آن اعلام کرده بودند مزد ماهانه هیچ کارگری نباید از ۱۲ میلیون تومان کمتر باشد، از بیانیه مشترک مزد و فراخوان تجمع پشتیبانی کردند. کارگران معادن مس و صنایع ساوه نیز از این بیانیه و فراخوان حمایت کردند. کارگران غیررسمی نفت و مؤسسات وابسته، با صدور بیانیه‌ای در ۱۴ اسفند، از بیانیه مشترک مزد و حداقل مزد بالای ۱۲ میلیون و همچنین از فراخوان تجمع حمایت کردند. کارگران غیررسمی نفت در بیانیه کوتاه خود "جنبش برای افزایش دستمزد به بالای ۱۲ میلیون" را "یک جنبش اجتماعی" خوانده و تأکید نمودند برای افزایش دستمزد به بالای ۱۲ میلیون، در تدارک اعتصاب دیگری هستند. نفت در بیانیه کوتاه حمایتی خود نوشت: "ما کارگران دیگر به فقر و بندگی تن نمی‌دهیم و با تمام قوا در مقابل هرگونه تعرضی به زندگی و معیشتمان می‌ایستیم". سندیکای کارگران شرکت واحد، سندیکای کارگران هفت‌تپه و گروه اتحاد بازنشستگان با تهیه تراکت‌های گوناگون تبلیغات گسترده‌ای را در شبکه‌های اجتماعی سازمان دادند. طیف گسترده‌ای از کارگران، بازنشستگان و معلمان حول مطالبه حداقل مزد بالای ۱۲



میلیون بسیج شدند. اوضاع وخامت بار اقتصادی و تنگناها و فشارهای معیشتی، تورم و گرانی و چند برابر شدن قیمت خوراکی‌ها، پوشاک، مسکن،

محرومیت از بهداشت و درمان مناسب، ادامه زندگی اکثریت کارگران و زحمتکشان را دشوار، غیرقابل‌تحمل و غیرممکن ساخته است. شرایط عمومی در زمینه نازل بودن مزد و مستمری و دریافتی ماهانه، وضعیت مشابه و تقریباً یکسانی را برایشان رقم زده است. درآمد ناکافی است و هزینه را پوشش نمی‌دهد. اکثریت قریب به اتفاق کارگران و بازنشستگان تأمین اجتماعی و معلمان زیرخط فقر زندگی می‌کنند. از امکانات بهداشتی و درمانی مناسب محروم‌اند. نمی‌توانند شکم خود و خانواده را سیر کنند. از پس اجاره خانه بر نمی‌آیند و روزبه‌روز فقیر و فقیرتر شده‌اند. بنابراین طبیعی است اگر مزد و دریافتی ماهانه به محور تبدیل شود تا همپای خواست‌های دیگری چون "درمان رایگان، آموزش رایگان، تأمین مسکن مناسب، حق ایجاد تشکل مستقل، آزادی تجمع، امنیت شاغلین و عدالت اجتماعی" همه برگرد آن حلقه زنند و پرچم مبارزه مشترک برای افزایش مزد حداقل به بالای ۱۲ میلیون را به اهتزاز درآورند. درد مشترک است و درمان درد مشترک، رزم مشترک! سازمان‌دهی مشترک تجمع ۱۷ اسفند مقابل وزارت کار و تأمین اجتماعی، مستقل از نحوه برخورد رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی با آن، گام مثبتی است در سمت‌گیری صدور اطلاعاتی و بیانیه و اعلام موضع، به یک مرحله پیشرفته‌تر و گذار به سازمان‌دهی مبارزه عملی. این گام مهم و مثبت را باید ارج گذاشت و جای پای گام‌های بعدی را هموار کرد. به هر شکل ممکن باید از خواست‌ها و مبارزات کارگران، بازنشستگان و معلمان حمایت کرد و اتحاد و هماهنگی میان تشکل‌های سازمانده رزم مشترک را تقویت نمود.

صفوف خود را متراکم و مستحکم کنیم. رزم مشترک را سازمان و گسترش دهیم. موانع را از پیش پای خویش برداریم تا درد مشترک را درمان کنیم.

زیرنویس:

حسام نیکو پور مدیر آمار، اطلاعات و محاسبات سازمان تأمین اجتماعی در ۳۰ مهر ۹۹ اعلام کرد درحال حاضر ۳ میلیون و ۹۵۴ هزار مستمری‌گیر تأمین اجتماعی هست.



اطلاعیه نیروهای چپ و کمونیست در رابطه با جنبش رهایی زن در ایران

تبعیض جنسیتی، ستم و نابرابری هنوز سیمای وارونه جهان است. سرمایه داری، هرگز آزادی و برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد را نمی پذیرد؛ ستمکشی زن بر اساس جنسیت در زندگی فردی و اجتماعی، یکی از ارکان اساسی سرمایه است که نابرابری بنیادی را در جای جای جامعه تولید و باز تولید می کند. دنیای وارونه سرمایه داری با بهره گیری از مالکیت خصوصی بر ابزار تولید، پایه های تبعیض و نابرابری، بردگی مزدی و استثمار فرد از فرد را در جامعه پایه ریزی کرده است. مردسالاری یک سامانه سطره است که سنت و فرهنگ و قانون حاکم بر جامعه، ناظر بر این نابرابری بنیادی است. آنچه امروز به عنوان "برابری حقوقی" زنان در بخشی از کشورهای پیشرفته جهان سرمایه داری ادعا می شود، نه حاصل پیشرفت جهان سرمایه داری، که نتیجه مبارزات مستمر طبقه کارگر و قهرمانی های درخشان زنان و مردان آزادی خواه و برابری طلب است که نتیجه آن، تغییر قوانین اجتماعی و تغییر نسبی موقعیت زنان در نظام های پیشرفته سرمایه داری بوده است. انتخاب هشت مارس، به عنوان روز جهانی زن، خود یک نمونه روشنی از محصل جنبش بین المللی سوسیالیستی طبقه کارگر و برآیند یک سنت مبارزاتی رادیکال زنان کارگر و کمونیست است که از دیرباز علیه واپسگرایی بوژوازی جنگیده اند و همچنان می جنگند. جنگی بی امان که تا سرنگونی نظم سرمایه و رهایی کامل زن از ستم و تبعیض و نابرابری و استثمار انسان از انسان، ادامه خواهد داشت.

اگر نابرابری و تبعیض جنسیتی برای جهان سرمایه یک ضرورت تاریخی است، این ضرورت، در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی به صورت یک آپارتاید جنسیتی تمام عیار عمل می کند. هیئت حاکمه ایران با استفاده از مذهب به مثابه ابزار ایدئولوژیک و با بهره گیری از فرهنگ عقب افتاده مردسالارانه، به عریان ترین شکل ممکن، تبعیض جنسیتی، نابرابری حقوقی و اعمال خشونت عریان بر زنان را در تمام شئون سیاسی، اقتصادی و زندگی اجتماعی آنان، قانونی و نهادینه کرده است. با اینهمه، و به رغم تمامی تبعیضاتی که توسط دولت دینی بر زنان ایران اعمال شده است، به رغم تمام سرکوب و بی حقوقی که توسط ارتجاع اسلامی بر زنان ایران تحمیل شده است، آنان هیچگاه تسلیم سیاست های ارتجاعی و سرکوبگرانه جمهوری اسلامی نشدند. زنان ایران، همواره علیه سیاست های زن ستیزانه رژیم حاکم، علیه بی حقوقی، تبعیض، نابرابری و ستم مبارزه کرده اند. این مبارزه، طی سال های متمادی اشکال بسیار متنوعی به خود گرفته است. از مبارزه علیه مناسبات خانواده سنتی-اسلامی مردسالار گرفته، تا مقاومت و مبارزه علیه قوانین و مقررات ارتجاعی دولت دینی در کوچه و خیابان و دانشگاه و محیط کار؛ از مبارزه و مقاومت فردی گرفته، تا مبارزه جمعی و متشکل علیه بی حقوقی و انواع تبعیضات جنسیتی؛ مبارزه ای که طی بیش از چهار دهه در ابعادی به وسعت سراسر ایران در جریان بوده است. مبارزه ای که اکنون در قامت یک جنبش رادیکال و قدرتمند علیه کلیت رژیم اسلامی و ارتجاعی حاکم بر ایران قد کشیده است.

زنان و مردان برابری طلب! مردم آزادیخواه و مبارز ایران!

امسال در شرایطی به استقبال ۸ مارس، روز جهانی زن می رویم که جمهوری اسلامی با بحران های عمیق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی واپسین روزهای حیات ننگین خود را می گذراند. اعتراض و مبارزات مردم ایران، لحظه ای رژیم را آرام نمی گذارد. به رغم سرکوب و ستمی که بر زنان اعمال شده است، به رغم وحشیگری های جمهوری اسلامی در سرکوب وسیع توده های مردم ایران، مبارزات زنان، کارگران، معلمان، نویسندگان، دانشجویان، بازتستگان و ... در اشکال سیاسی و اقتصادی در حال گسترش است. اوضاع سیاسی جامعه به درجه ای برای سرنگونی رژیم فراهم است که از هر جرقه ای حریق شورش و قیام برپا می گردد. در این میان، زنان ایران که تحت حاکمیت جمهوری اسلامی تمام حق و حقوق شان پایمال شده است، فعال تر و رادیکال تر از هر زمان دیگری در این مبارزات حضور دارند. نقشی که زنان در جنبش های اعتراضی کنونی بر عهده گرفته اند، حاصل تجربه بیش از چهار دهه مبارزات آنان است که در اشکال مختلف علیه رژیم ارتجاعی زن ستیز جمهوری اسلامی ادامه یافته است.

بی دلیل نیست که اکنون زندان های رژیم مملو از زندانبان سیاسی زن است. هم اکنون صدها تن از زنان آگاه و فعال در زندان های رژیم اسیرند. این زنان در زندان نیز، نمونه درخشانی از مقاومت و مبارزه در برابر ستمگران حاکم بر ایران اند. زنانی که در جنبش های اجتماعی کنونی فعالانه شرکت دارند و از مطالبات توده های میلیونی مردم دفاع می کنند؛ عمیقاً به حقوق پایمال شده خود واقف اند. آن ها، عمیقاً به برابری زن و مرد و مبارزه برای برانداختن ستم و تبعیض بر پایه جنسیت باور دارند و راه حصول به آن را نیز در مبارزه متشکل میلیون ها تن از مردم ایران برای سرنگونی انقلابی رژیم حاکم یافته اند. مطالبه زنان ایران دیگر صرفاً به مبارزه برای لغو قانون حجاب اجباری محدود نیست. آنان، برای برانداختن هرگونه ستم بر زنان مبارزه می کنند. این مسیر درستی است که زنان ایران در مبارزه برای تحقق مطالبات خود در پیش گرفته اند. زنان ایران، اکنون به عنوان یکی از پایه های اصلی مبارزه، نه فقط در مبارزات توده ای و سرنگونی طلبانه قرار دارند، بلکه در جنبش های اجتماعی و جنبش کارگری نیز حضور موثری دارند. نظر به اینکه که مسئله برابری زن و مرد، امر تمامی جنبش های مترقی و آزادیخواه است، لذا جنبش برابری زن و مرد، بدون ایجاد یک مبارزه مشترک برابری طلبانه برای سرنگونی دولت دینی که بنیادش بر نابرابری میان زن و مرد گذاشته شده است، نمی تواند ستم، تبعیض و نابرابری را براندازد. این اتحاد و برپائی یک انقلاب اجتماعی ست که می تواند نه فقط برابری حقوقی را برای زنان به ارمغان آورد، بلکه به رهایی قطعی زن از هرگونه ستم و نابرابری های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بیانجامد. این درسی است که جنبش زنان ایران از مبارزه طی چهار دهه گذشته آموخته اند و آن را در مبارزات کنونی خود عملی کرده اند. مبارزه ای ریشه دار که با حضور فعال در خیزش های انقلابی دیماه ۹۶ و آبان ۹۸ نشان دادند که تغییر واقعی در موقعیت اجتماعی زنان و رهایی کامل آنان در گرو پیشروی مبارزات عمومی و عروج جنبش طبقاتی و سوسیالیستی طبقه کارگر است. پوشیده نیست مبارزات کنونی زنان، اگر در مسیر تشکل و سازمان یابی برابری طلبانه پیش نرود، فاقد کارایی لازم بوده و چه بسا در تند پیچ های مبارزاتی از حرکت در مسیر رهایی کامل زن باز ماند.

ما سازمان ها و احزاب چپ و کمونیست متشکل در شورای همکاری تاکید داریم که رشد و گسترش جنبش رهایی و آزادی زنان فقط در



فریاد فریاد از این همه بیداد

اطلاعیه نیروهای چپ و کمونیست

در رابطه با جنبش رهایی زن در ایران

جمهوری اسلامی برای به سکوت کشاندن بازنشستگانی که برای بدیهی‌ترین خواست‌های خود به خیابان آمده بودند، بار دیگر نیروهای سرکوب خود را به میدان فرستاد، با این خیال خام که می‌تواند فریاد اعتراض بازنشستگان، فریاد اعتراض کارگران و زحمتکشان را به این همه ظلم خفه کند. "این همه بی‌عدالتی هرگز ندیده‌ملتی". این صدا خاموش شدنی نیست، این فریاد مردمانیست که دیگر چیزی برای از دست دادن ندارند.

بازنشستگان از روزهای قبل با اعلام فراخوانی که مورد حمایت دیگر اقشار جامعه قرار گرفته بود، اعلام کرده بودند که در ادامه تجمعات اعتراضی خود روز یکشنبه ۱۷ اسفند دست به اعتراض سراسری خواهند زد و در تهران ساعت ۱۰ و سی دقیقه در برابر وزارت کار و رفاه برای "مزد شایسته" همراه با کارگران و معلمان این تجمع برگزار خواهد شد.

اما حکومت اسلامی که از اراده آهنین بازنشستگان به وحشت افتاده بود، در تهران از ساعت ۸ صبح بازوهای سرکوب خود را در لباس نیروی انتظامی و "لباس شخصی" که شمار قابل ملاحظه‌ای نیز پلیس زن در میان آنان حضور داشتند، در وزارت کار و اطراف آن مستقر ساخت و حتا مانع ایستادن کسی در برابر وزارتخانه شد.

بدنبال ممانعت نیروی انتظامی، بازنشستگان مجبور شدند به صورت گروه‌های کوچک در اطراف وزارت کار و رفاه تجمع کنند. ساعت ده و ۱۵ دقیقه هسته‌های چهل نفره در خیابان آزادی جنب خیابان‌های بهبودی و شکاری شکل گرفت که تا ساعت ۱۰ و سی دقیقه به حدود ۱۰۰ نفر رسید. در این لحظه بود که نیروهای سرکوب رژیم با تهدید از تجمع‌کنندگان خواستند تا متفرق شوند. اما تجمع‌کنندگان با شعارهای "حقوق ما ریالی، هزینه‌ها دلاریه"، "این همه بی‌عدالتی، هرگز ندیده‌ملتی"، "گرانی تورم، بلای جان مردم"، "فریاد فریاد، از این همه بیداد" در برابر فشار و تهدید نیروهای سرکوب مقاومت کردند.

بدنبال مقاومت بازنشستگان که در میان آن‌ها تعدادی جوان نیز در حمایت از خواست‌های برحق بازنشستگان، کارگران و معلمان حضور داشتند، نیروهای سرکوب رژیم حمله وحشیانه خود را به تجمع‌کنندگان آغاز کردند. نیروهای سرکوب یکی از دستگیرشدگان را آن‌چنان بر روی کف خیابان کشیدند و با مشت و لگد به جان او افتادند که لباس‌های‌اش پاره شد. در پی این حمله وحشیانه تعدادی دستگیر و تعدادی نیز مجروح شدند.

تعدادی از دستگیرشدگان با تلاش دیگر تجمع‌کنندگان از دستان نیروهای سرکوب رژیم رهایی یافتند. اما تعدادی از آن‌ها به داخل وزارت کار و سپس به اداره پلیس برده شدند که تاکنون هویت سه تن از آن‌ها با نام‌های اسماعیل گرمی معلم بازنشسته، کامیار فکور روزنامه‌نگار اقتصادی و اسعد مفتاحی که در اسنپ‌فود کار می‌کند، مشخص شده است.

تجمع، اعتراض و اعتصاب حق بازنشستگان و دیگر گروه‌های اجتماعی است، اما جمهوری اسلامی، دولت سرمایه‌داران، دولت زندان و فاسدان با سرکوب اعتراضات آن‌ها می‌خواهد زندگی در فقر و مردن در فقر را به آن‌ها تحمیل کند.

سازمان فدائیان (اقلیت) از خواست‌های برحق بازنشستگان، کارگران و معلمان برای مزد و حقوقی بالای خط فقر حمایت می‌کند. دستمزد و حقوق هیچ بازنشسته، کارگر و معلمی نباید از ۱۲ میلیون و پانصد هزار تومان کمتر باشد.

سازمان فدائیان (اقلیت) حمله وحشیانه نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی به بازنشستگان، کارگران، معلمان و جوانان را محکوم کرده و خواستار آزادی فوری و بی‌قید شرط تمامی دستگیرشدگان است.

این درد مشترک، بی‌رزم مشترک، درمان نخواهد شد.

راستای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی قادر است شرایط را برای راه حل سوسیالیستی مسئله زن که همانا رهایی کامل زن از هرگونه نابرابری و ستم و تبعیض است، فراهم سازد. هشت مارس، بدون شک تریبونی موثر برای نشان دادن نیرو و توان مبارزاتی جنبش رهایی زن است. از این رو، شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست، همه زنان و مردان آزادی خواه و برابری طلب را که در جبهه جنبش رهایی زن قرار دارند، همه کارگران، زحمتکشان و جریانات سیاسی چپ و انقلابی و کمونیست را که برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی مبارزه می‌کنند، به تلاشی مشترک و همگام در دفاع از رهایی کامل زن در راستای ایجاد یک نظم نوین سوسیالیستی فرا می‌خواند.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست همه زنان و مردان آزادی خواه و برابری طلب، کارگران، دانشجویان، معلمان، پرستاران و عموم خانواده‌های کارگری را به برگزاری هرچه با شکوهر مراسم‌ها و اجتماعات ۸ مارس، روز جهانی زن دعوت می‌کند.

زنده باد جنبش برابری طلبانه و سوسیالیستی زنان!

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم! مارس ۲۰۲۱

امضاها: سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری-حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی

نابود باد نظام سرمایه‌داری

زنده‌باد آزادی - زنده‌باد سوسیالیسم

سازمان فدائیان (اقلیت)

۱۷ اسفند ۱۳۹۹

کار، نان، آزادی - حکومت شورایی

زنده باد سوسیالیسم

نان قرضی، گوشت قسطی، حکومت اسلامی

عموم مردم نه از این راحل‌های "کارشناسانه" خبر دارند و نه هرگز در زندگی واقعی خود آن را لمس کرده‌اند!!! او به‌عنوان بالاترین مقام حکومتی نمی‌گوید که چرا به اندازه عمر این حکومت مردم درگیر بیکاری و گرانی هستند و امروز در خیابان‌ها شعار می‌دهند "گرانی و بیکاری، بلای جان مردم!!" و بالاخره او نمی‌گوید که با این همه راحل‌های "کارشناسانه"، چرا سال از پی سال گرانی و بیکاری بیشتر و شرایط معیشتی کارگران و زحمتکشان بدتر می‌شود!! البته او یک چیز را درست می‌گوید، گرانی، بیکاری و دیگر معضلات معیشتی مردم راه حل دارد و راه حل آن نیز در اولین قدم سرنوشتی جمهوری اسلامی است.

جامعه کنونی ایران، سال‌هاست که از مرزهای فاجعه گذر کرده است و با گذر زمان بر عمق فاجعه به صورتی تصاعدی افزوده می‌شود. دیگر چیزی برای از دست دادن باقی نمانده است. بیهوده نیست که در روزهای آخر سال بوی عید به مشام نمی‌رسد. روزهایی که بهترین خاطرات برجامانده از زندگی‌های به غارت رفته‌مان بود. اما سال‌هاست که حتا آن خاطرات نیز جای خود را به عرق شرم داده‌اند. شرم نه گفتن به فرزند، شرم بی‌پولی، شرمی که ارمغان گرانیست، شرمی که ارمغان دستمزدهاییست که مدام آب می‌روند.

نان قرضی، گوشت قسطی، حکومت اسلامی. نصف ران مرغ، گردن مرغ، پای مرغ، حکومت اسلامی. در این سرزمین، در ام‌القرای اسلام، مردمانی هستند که نان را قرضی می‌خرند و طعم گوشت را فراموش کرده‌اند. مردمانی هستند که از آب آشامیدنی سالم محروم هستند، چون فقیر هستند، چون کار ندارند، چون محروم هستند. در این سرزمین، در ام‌القرای اسلام، مردمانی هستند که مسکن ندارند، چون پول ندارند، چون اجاره‌ها سرسام‌آور است، چون اجاره از دستمزد کارگر بیشتر است، بی‌غوله‌هایی به جای مسکن، حکومت اسلامی. در این سرزمین مردمانی هستند که حاضرند ته کیف پول خود را با نصف ران مرغ معاوضه کنند، نه برای خود که برای کودکان‌شان. فروش گوشت قسطی سه ماهه با چک کارمندی، صف نان، صف روغن، صف مرغ، صف تخم‌مرغ، کرونا در صف، بیماری در صف، مرگ در صف... روزنامه آفتاب اقتصادی نوشت: "قیمت ماهی ۳۰۰ درصد گران شد، امسال ماهی از سفره شب عید حذف خواهد شد"، حکومت اسلامی.

بی‌شرمانه بانگ برمی‌آورند: "همه چیز فراوان است"، "مردم هر جا صف می‌بینند می‌ایستند و حتا در ابتدا نمی‌دانند صف مرغ است، یا روغن یا حبوبات"، "۵ میلیون تن کالا در بنادر داریم و ۵ میلیون تن ذخایر استراتژیک". بازرگانان هندی اما به دلیل کاهش ذخیره رویه جمهوری اسلامی در هند از بستن قراردادهای جدید برای صادرات برنج، چای و شکر به ایران امتناع می‌کنند. فقر است، پول نیست، گرانی است، کار نیست. مردم در صف خرید نوروز: صف برنج، صف چای، صف روغن، صف حبوبات، صف

مرغ، مردم در صف، خیرگزاری‌های حکومتی بند را آب می‌دهند و می‌نویسند: "روغن کمباب"، "فروش روغن با کارت ملی". بی‌شرمانه بانگ برمی‌آورد، آن‌که کلیدش تنها درب ثروت‌های افسانه‌ای را برای سرمایه‌داران گشود: "هیچ کالایی بدون هماهنگی با ستاد اقتصادی افزایش نیابد"، "مرغ ۲۰۴۰۰ تومان"، مرغ نیست، مرغی که کلیددار از ۶۴۰۰ تومان به ۳۰ هزار تومان رساند، مردمی به دنبال پای مرغ، به دنبال سنگدان، به دنبال گردن.

پیدا کرد: مشکل گرانی نیست، مشکل گرانفروشیست. رئیس ستاد تنظیم بازار در پی سخنان خامنه‌ای راه حل را اعلام کرد: "نظارت بیشتر بر اصناف"، قاسم نوده فراهانی رئیس اتان اصناف اما می‌گوید: "گرانفروشی نیست، گرانی است". عضو هیات مدیره اتحادیه باغداران می‌گوید: "قیمت کود در یکسال ۵ برابر شده، قیمت تراکتور از ۷۰ تا ۸۰ میلیون تومان سال گذشته به ۵۰۰ میلیون تومان رسید". رسانه‌های حکومتی: "۱۴۰ درصد افزایش بهای روغن در یک سال"، "او برابر شدن بهای برنج خارجی تنها در طی چند ماه". بی‌شرمانه بانگ برمی‌آورند: "نوروز است و مردم دست به احتکار زده‌اند" و این‌گونه فقر را انکار می‌کنند، و مردمان ایستاده در صف با ماسکی بر دهان و بینی راه، مردمانی که دیده نمی‌شوند، مردمی که برای دیده شدن به فریاد نیاز دارند، به اتحاد، به انقلاب.

دزدان و فاسدانی که از سفره همان مردم می‌زدند، از حاصل کار کارگران پرور می‌شوند، اما وقتی که از افزایش دستمزد کارگران سخن گفته می‌شود، بی‌شرمانه بانگ برمی‌آورند: "وای تورم، وای اسلام". مرکز آمار گزارش می‌دهد: "بهمین ماه تورم سالانه ۳۴ / ۲ درصد و تورم نقطه‌ای ۴۸ / ۲ درصد"، اما کسی نمی‌فهمد در حالی که شاخص تغییر قیمت کالاهای وارداتی در طول یک سال براساس گزارش همین مرکز ۵۸۸ / ۸ درصد افزایش یافته، یعنی قیمت و هزینه کالاهای وارداتی حدوداً ۶ برابر شده و باز براساس همان گزارش تورم قیمت کالاهای صادراتی ۲۰۹ درصد است، چگونه تورم برای کارگران در حدود ۳۰ و ۴۰ درصد باقی مانده است!!!

اما برآستی چرا؟! برآستی چرا باید در صف روغن و مرغ و برنج و حبوبات ایستاد؟ آن‌هم در دوران کرونایی؟! خیرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران، همان برادران قاچاقچی با اسکله‌هایی بی‌شمار، نوشت: "امسال حدود ۳۲ میلیارد دلار برای واردات کالای اساسی اختصاص یافت در حالی که این رقم در سال گذشته ۵۰ تا ۵۵ میلیارد دلار بود" و در ادامه اعتراف کرد که در سه ماه ابتدای سال هیچ ارزی توسط بانک مرکزی برای واردات اختصاص نیافت و به دلیل دیر عملکردن برای خرید نهاده‌های دامی، "این محصول ۳۰ درصد بالاتر از قیمت جهانی خریداری شد"، ۳۰ درصد دلار ۴۲۰۰ تومانی پرید و دلار کالاهای اساسی نیز از ۵۰ تا ۵۵ میلیارد به ۳۲ میلیارد دلار رسید، کمبود کالاهای اساسی، دزدی، فساد،

حکومت اسلامی. مسعود خوانساری رئیس اتاق بازرگانی تهران گفت: "در دو سال گذشته ۱۰۰ میلیارد دلار پول از ایران خارج شده است"، پیش از او مرکز پژوهش‌های مجلس در خرداد ۹۷ از خارج شدن ۵۹ میلیارد دلار پول در سال‌های ۹۵ و ۹۶ از ایران خبر داده بود. ۱۵۹ میلیارد دلار در چهار سال به اعتراف مقامات رسمی، گرانی، کمبود کالاهای اساسی، حکومت دزدان، سرمایه‌داران دزد، حکومت اسلامی.

پول‌های مردم در جیب سرمایه‌داران، استثمار کارگران، پول بازنشستگان، حق زحمت معلمان و پرستاران، در جیب سرمایه‌داران، از ترکیه تا ونزوئلا، از امارات تا مالزی و تا جزایر بهشت مالیاتی.

پول‌های مردم در شکل هسته‌ای، میلیاردها دلاری که پر کشید، حاصل کار و زحمت کارگران، یک فقره: ده میلیارد دلار برای دو درصد برق کشور، پول‌هایی که بر باد رفت. زحماتی که به تاراج رفت. پول مردم به شکل موشک، پول مردم برای جنایت، برای کشتار زنان و کودکان در یمن، پول مردم برای ویرانی سوریه، پول مردم در جیب شبه نظامیان، پول مردم برای ترویج خرافات، پول مردم در جیب صدا و سیما، پول مردم در اسلحه سپاه پاسداران، اسلحه‌ای به روی مردم.

پول مردم در جیب خامنه‌ای، صندوق توسعه ملی، ستاد اجرایی فرمان امام، آستان قدس رضوی، بنیاد مستضعفان، پول مردم برای اسارت مردم، "گرانی بیکاری بلای جان مردم"، "تا حق خود نگیریم از پا نمی‌نشینیم".... "نابود باد نظام سرمایه‌داری"، "نابود باد جمهوری اسلامی"، "برقراری حکومت شورایی".

خیار ۲۰ هزار تومان، گوشت ۱۶۰ هزار تومان، تخم مرغ دانه‌ای ۱۲۰۰ تومان، مرغ ۳۰ هزار تومان، مسکن متر مربع ۲۶ میلیون تومان. مسکن پر، مسافرت پر، دیدار عزیزان، فامیل و دوستان پر، زیبایی زندگی پر، لذت و شادی پر، ساعات استراحت پر، روزهای تعطیل پر، گوشت پر، خیار پر، گوجه پر، پرتقال پر، موز پر، کیوی پر، مرغ پر، نان...

نان را به مساوات تقسیم کنیم، تا سوختبری در آتش نسوزد، تا کولبری بر روی مین نرود، تا کودک کاری نباشد، تا کارتن‌خواب و گورخواب نباشد، تا کودک محروم از آموزش خودسوزی نکند، تا درد نباشد، تا رنج نباشد، تا ستم نباشد، تا پدری نگران سرنوشت فرزند نباشد، تا مادر آسوده سر بر بالش بگذارد، تا شادی باشد برای همه، عدالت باشد، برابری باشد، و آزادی را در هر کوچه بو کنیم، حس کنیم و با آن زندگی کنیم. کار، نان، آزادی - حکومت شورایی.



نان قرصی، گوشت قسطی، حکومت اسلامی

خامنه‌های دیکتاتوری که در راس این نظام سفاک قرار دارد، روز ۵ شنبه ۱۴ اسفند با وقاحتی که هیچ مرزی را نمی‌شناسد با اشاره به گرانی و مشکلات معیشتی مردم، گفت: "این وضع در آستانه عید غصه بزرگی ایجاد کرده است. البته اجناس مانند میوه‌ها فراوان است اما قیمت‌ها بسیار بالا است که سود این قیمت بالا هم به جیب باغداران زحمتکش نمی‌رود بلکه نصیب دلال‌ها و واسطه‌های سودجو می‌شود و ضرر آن به مردم می‌رسد.... این مشکلات، همه راحل دارد و بارها در جلسات متعدد این نکات را تذکر داده و راحل‌های مورد نظر کارشناسان را به مسئولان گفته‌ایم."

خامنه‌ای که حتی در جزئی‌ترین امور دخالت می‌کند و به خود اجازه می‌دهد در اموری که هیچ سر رشته‌ای هم ندارد مانند واکنش دخالت کرده و با ممنوع کردن ورود واکسن‌های مورد تایید "سازمان بهداشت جهانی" زندگی مردم را به بازی بگیرد، آن وقت در مورد گرانی که مردم به اندازه عمر این حکومت درگیر آن هستند، در جلسات "خصوصی" به "مسئولان" تذکر داده و "راحل‌ها" را می‌گوید!!!

او نمی‌گوید که این راحل‌ها را چرا جمهوری اسلامی ۴۲ سال است در پستو قایم کرده و تنها در جلسات "خصوصی" از آن‌ها یاد می‌شود و

در صفحه ۹

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سوئیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در تویتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

t

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 911 March 2021



تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

shora.tv@gmail.com

برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی از اول فوریه ۲۰۱۹ برابر با ۱۲ بهمن‌ماه ۱۳۹۷ بر روی شبکه تلویزیونی Komala TV / Shora TV پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره‌های شبکه تلویزیونی "کومله تی وی / شورا تی وی" بدین قرار است:

ماهواره یاه ست (yahsat) فرکانس: ۱۱۹۵۷ سیمبل ریت ۲۷۴۸۰
پولاریزاسیون عمودی

ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی:
دوشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

سه‌شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

چهارشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

پنجشنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

جمعه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

شنبه: از ساعت ۹ تا ۱۰ شب

شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

یکشنبه: بازپخش ساعات ۳ تا ۴ بامداد، ساعت ۹ تا ۱۰ صبح و ساعت ۳ تا ۴ بعدازظهر

آدرس ایمیل: Shora.tv@gmail.com، شماره تلفن:

۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-aghaliyat.org>، <https://tvshora.com>

فیس بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی